

پرسش ۱۶۳: آیهی (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ....)

سؤال / ۱۶۳: ما معنى قوله تعالى: (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) [542]؟

معنای این آیه چیست: پس پروردگارش آن دختر را به نیکی پذیرفت، و به وجهی پسندیده پرورشش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت. هر وقت که زکریا به محراب نزد او می رفت، پیش او روزی می یافت؛ می گفت: ای مریم! اینها برای تو از کجا می رسد؟ مریم می گفت: از جانب خدا؛ زیرا او هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می دهد. ([543]).

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
(وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا): أي علم وحكمة ومعرفة، فالمحراب والصلاة مورد معراج المؤمن وفيض الله عليه، والرزق الدنيوي مكانه غير المحراب المعد للصلاة، والأكل كذلك. فالإنسان لا يأكل وهو واقف يصلي في المحراب، وإن كان الرزق الدنيوي أيضاً ينزل على مریم، ولكن المراد بالآية هو الرزق الحقيقي وهو العلم والحكمة والمعرفة، ولذلك: (هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ) [544]، وعلل هذا الدعاء بـ (إِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا) [545].

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليمًا.

(پیش او روزی می‌یافت) : یعنی علم و حکمت و معرفت، محراب و نماز خاستگاه معراج مؤمن و فیض خدا بر او است و جایگاه رزق و روزی دنیوی، در جایی از غیر محرابی است که برای نماز تاسیس شده باشد؛ و به همین صورت خوردن؛ هنگامی که انسان می‌ایستد و در محراب نماز می‌گزارد چیزی نمی‌خورد. هرچند رزق و روزی دنیوی نیز بر مریم (علیها السلام) فرود می‌آمده است ولی منظور آیه، رزق حقیقی است که علم و حکمت و معرفت می‌باشد و از همین رو: (در آنجا زکریا پروردگارش را ندا داد و گفت: ای پروردگار من! مرا از جانب خود فرزندی پاکیزه عطا فرما، که تو شنونده‌ی دعا هستی) ([546])، و علت این دعا را نیز چنین بیان می‌نماید: (من پس از مرگ خویش، از نزدیکان بیمناکم و زخم‌نازا است. مرا از جانب خود فرزندی عطا فرما.) ([547])

(المَوَالِي): أَي عِلْمَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، خَافَ مِنْهُمْ عَلِيٌّ عِيسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)؛ لِأَنَّهُ كَانَ يَعْلَمُ بِأَمْرِهِ، فَزَكَرِيَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هُوَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ مَرْيَمَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، وَأَرَادَ زَكَرِيَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً تَرِثُ آلَ يَعْقُوبَ حَقِيقَةً، أَي مِيرَاثَ الْحِكْمَةِ وَالنَّبُوءَةِ وَالنَّصْرَةِ لَوْلِي اللَّهِ عِيسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى. فَكَفَالَةَ زَكَرِيَا لِمَرْيَمَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) لِشَأْنِهَا، فَإِنَّ اللَّهَ كَفَّلَهَا (وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَا)، وَأَهْمَ مَا فِي شَأْنِهَا هُوَ أَنَّهَا أُمُّ لِعِيسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، نَبِيٍّ مِنْ أَوْلِي الْعِزْمِ مَصْلِحٍ لِلدِّيَانَةِ الْإِلَهِيَّةِ.

(المَوَالِي) یعنی علمای بنی اسرائیل و از آنها بر حضرت عیسی (علیه السلام) بیم داشت؛ زیرا از امر او آگاه بود. حضرت زکریا (علیه السلام) حجت بر مریم (علیها السلام) بود و زکریا (علیه السلام) نسل پاکیزه‌ای که میراث واقعی آل یعقوب یعنی میراث حکمت و نبوت، و یاری و نصرت برای ولی خدا عیسی (علیه السلام) را به ارث برد خواستار شده بود، و خداوند نیز یحیی (علیه السلام) را روزی او گردانید. اینکه زکریا کفالت مریم (علیها السلام) را برعهده داشت به خاطر شأن و منزلت مریم بوده؛ چرا که خداوند زکریا (علیه السلام) را متکفل شأن مریم (علیها السلام) گردانید (و زکریا را به سرپرستی او گماشت) و مهم‌ترین شأن و جایگاه مریم (علیها السلام)

السلام) آن بود که وی مادر حضرت عیسی (علیه السلام) پیامبر اولو العزم اصلاحگر دین الهی بود.

كما أنّ يحيى الذي هو إجابة دعاء زكريا (عليه السلام) كان أهم ما فيه هو إجابة دعاء زكريا، وذلك أنه أصبح الناصر لعيسى (عليه السلام)، (فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ) ([548])، والمصدق هو يحيى (عليه السلام)، وكلمة الله والسيد الحصور هو عيسى (عليه السلام)، فهو سيد من أولي العزم، ومَلِكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وحصور لا يأتي النساء ولا الدنيا.

همان طور که مهم ترین شاخصه در مورد یحیی که نتیجه ی اجابت دعای زکریا (علیه السلام) بود، اجابت شدن دعای زکریا بود و این یعنی اینکه او یار و یاور حضرت عیسی (علیه السلام) شد: (پس همچنان که در محراب به نماز ایستاده بود فرشتگان، ندایش دادند: خداوند تو را به یحیی بشارت می دهد که کلمه ای از خداوند را تصدیق می کند که او آقا و خویشتن دار است و پیامبری از شایستگان). ([549]) (تصدیق کننده) همان یحیی (علیه السلام) است و کلمه ی خداوند و آقای خویشتن دار، عیسی (علیه السلام) است که او سید و آقایی از اولو العزم ها و پادشاه بنی اسرائیل بود. «حَصُورًا» (خویشتن دار) یعنی نه به سراغ زنان می رود و نه دنیا.

والآن لننظر في دعاء زكريا، وهو طلب الولد: (وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا) ([550]).

اکنون به دعای زکریا که درخواست فرزند بود می نگریم: (من پس از مرگ خویش، از نزدیکان، بیمناکم و زخم نازا است. مرا از جانب خود فرزندی عطا فرما * که میراث بر من و میراث بر خاندان یعقوب باشد و او را، ای پروردگار من، شایسته و پسندیده قرار بده). ([551])

۱- (وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي): أي علماء بني إسرائيل خفتهم على عيسى (عليه السلام) السيد ومَلِك بني إسرائيل، وكلمة الله. وهنا طلب زكريا (عليه السلام) من الله، ف (هب لي ولداً) يتم كفالتي لأمر مريم (عليها السلام) بعد موتي فقد بلغت من الكبر والعمر حتى شاب رأسي، فالمتوقع أن أكون ميتاً عند بعث عيسى (عليه السلام).

۱- (من پس از مرگ خویش، از نزدیکان بیمناکم) : یعنی علمای بنی اسرائیل، که زکریا (علیه السلام) از آنها بر عیسی (علیه السلام) که سید و پادشاه بنی اسرائیل و کلمه الله بود بیم داشت. در اینجا زکریا (علیه السلام) از خدا می خواهد (به من فرزندی عطا فرما) تا کفالت و سرپرستی مریم (علیها السلام) پس از مرگم را ادامه دهد؛ زیرا من به سن پیری و کهنسالی رسیده‌ام تا حدی که موهایم سفید شده است و انتظار می‌رود که هنگام بعثت عیسی (علیه السلام) مرده باشم.

۲- (يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ): في نصره عيسى (عليه السلام)، فعيسى (عليه السلام) (قائم آل يعقوب)، فنصرة يحيى (عليه السلام) له نيابة عن زكريا (عليه السلام)، وكفالته نيابة عن آل يعقوب الصالحين من الأنبياء والمرسلين والأولياء.

۲- (که میراث‌بر من و میراث‌بر خاندان یعقوب باشد) : در یاری و نصرت عیسی (علیه السلام)؛ چرا که عیسی (علیه السلام) «قائم آل یعقوب» بود. یاری و نصرت یحیی (علیه السلام) برای او، به نیابت از زکریا (علیه السلام) بود، و سرپرستی‌اش به نیابت از صالحین و شایستگان آل یعقوب از انبیا، مرسلین و اولیا خواهد بود.

۳- (واجعله رب راضياً): أي راضياً بالبلاء والامتحان، وتعرضه للقتل في نصره عيسى (عليه السلام). فقد وجه يحيى (عليه السلام) تلاميذه والناس لنصرة عيسى (عليه السلام) قبل أن يُبعث عيسى (عليه السلام) وقتل واستشهد في بداية بعث عيسى.

۳- (و او را، ای پروردگار من، شایسته و پسندیده قرار بده) : یعنی او را به بلا و امتحان و در معرض کشته شدن در راه یاری و نصرت عیسی (علیه السلام) خوشنود و راضی نما. یحیی (علیه السلام) پیش از آنکه عیسی (علیه السلام) مبعوث شود شاگردانش و مردم را به یاری و نصرت عیسی (علیه السلام) فرامی خواند. یحیی (علیه السلام) در ابتدای بعثت عیسی (علیه السلام) کشته و شهید شد.

فذكر يا (عليه السلام): (قَالَ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا) ([552]): أي لولا فضلك لا يكون لي غلام....، (قَالَ كَذَلِكَ) ([553]): أي فضل ربك عليك.

زکریا (علیه السلام) (گفت: ای پروردگار من! مرا از کجا پسری باشد، حال آنکه زخم نازا است و من خود در پیری به سال خوردگی رسیده‌ام) ([554]): یعنی اگر فضل تو نباشد، مرا پسری نخواهد بود.... (گفت اینچنین) ([555]): یعنی فضل پروردگارت بر تو.

ومريم (عليها السلام) (قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) ([556]).

و مریم (علیها السلام) (مریم گفت: ای پروردگار من! چگونه مرا فرزندی باشد، در حالی که بشری مرا لمس نکرده است؟ گفت: بدین سان که خدا هر چه بخواهد می آفریند؛ چون اراده‌ی چیزی کند به محض اینکه به او گوید موجود شو، موجود می شود). ([557])

(قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ): أي لولا فضلك لا يكون لي ولد، (... قَالَ كَذَلِكَ...): أي فضل ربك عليك.

(مریم گفت: ای پروردگار من! چگونه مرا فرزندی باشد): یعنی اگر فضل تو نباشد
مرا پسری نخواهد بود (... گفت: بدین سان...): یعنی فضل پروردگارت بر تو.

(وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ) [558]: وهذا هو الفضل والرزق.

(و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد) [559]: و این همان
فضل و رزق و روزی است.

**(كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ
هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) [560]، فالفضل بغير حساب
والحمد لله.**

(هر وقت که زکریا به محراب نزد او می رفت پیش او روزی می یافت؛ می گفت: ای
مریم! اینها برای تو از کجا می رسد؟ مریم می گفت: از جانب خدا؛ زیرا او هر کس را که
بخوهد بی حساب روزی می دهد) [561]؛ آری فضل، بی حساب است. و الحمد لله.



[542] - آل عمران : 37.

[543] - آل عمران: 37.

[544] - آل عمران : 38.

[545] - مریم : 5.

[546] - آل عمران: 38.

[547] - مریم: 5.

[548] - آل عمران : 39.

[549] - آل عمران: 39.

[550] - مریم : 5-6.

[551] - مريم: 5 و 6.

[552] - مريم: 8.

[553] - مريم: 9.

[554] - مريم: 8.

[555] - مريم: 9.

[556] - آل عمران: 47.

[557] - آل عمران: 47.

[558] - آل عمران: 48.

[559] - آل عمران: 48.

[560] - آل عمران: 37.

[561] - آل عمران: 37.